

درس ستایش صفحه ی ۹

۱) ای کسی که یاد تو در دل ما و بر زبان ما ، مانند روح در بدن تا زنده ایم باقی است . ( زیرا اگر روح از بدن خارج شود انسان می میرد .

۲) خداوندا هیچ پرنده ای در سبزه زارها و باغ ها ( هیچ موجودی در دنیا ) وجود ندارد که به یاد تو نباشد

۳) سیمرغ ( پرنده ای افسانه ای که نشانه ی دانایی و اتحاد است ) ، عقاب ، باز و شاهین در لانه هایشان نام تو را بر زبان می آورند

۴) هرگز بدون یاری و خواست تو ، هیچ کاری به انجام و نتیجه نمی رسد

۵) جبرئیل و دیگر فرشتگان مورد لطف خداوند در آسمان ها همواره نام تو را بر زبان دارند.

---

درس اول صفحه ی ۱۱

واژگان

ربیع : بهار ، هنگام بهار	غفلت : بی خبری
قُمری : پرنده ای خاکستری رنگ	گردون : آسمان
و کوچک تر از بلبل	مخلوق : خلق شده
مرغزار : چمن زار	معرفت : شناخت به علم و دانش
احسان : نیکی	تفکر : فکر کردن
خالق : آفریننده	خلق : مردم (در این جا همه ی
خلقت : آفرینش	موجوداتی که خداوند آفریده است )

غنیمت : آن چه به دست آید ، سود ، فرصت مناسب

## شناخت (علم و دانش) پروردگار

این مردم (موجودات) با این تنوع و فراوانی که شما می بینید ، آفریننده ای دارند که پروردگار و بوجود آورنده ی آن هاست و هر نعمتی که این موجودات دارند از لطف آن آفریننده است ، باید خداوند را پرستید و از او به خاطر نعمت هایش سپاس گزاری کرد .

فکر کردن در کار (در مورد) آفریننده و موجودات ، سبب بیشتر شدن توانایی فهم و درک انسان است و بی خبری و فکر نکردن در مورد این دو مهم ، سبب تیرگی دل ، نادانی و به اشتباه رفتن است .

---

۱) از سمت چمن زار باد بهاری وزید و دوباره آواز پرندگان (صدای مخلوقات) به آسمان رسید

۲) بلند شو از رسیدن بهار ، آواز پرندگان و بوی خوش گل ها استفاده کن

۳) همه ی گل ها و برگ ها ( موجودات ) به یاد خداوند هستند / آواز بلبل و قمری چیست ؟ چیزی به جز یاد خداوند نیست

۴) هر برگ درخت سبزی ( اشاره به هر موجودی است که خداوند آفریده است ) در نگاه انسان دانا ، مانند یک ورق از کتابی است که در مورد دانش آفریدگار نوشته شده باشد

---

درس : صفحه ی ۲۱ - ۱۹

۱) پرنده ی دانا که فکر می کرد هرگز در دام نمی افتد ، با همه ی دانایی که داشت به دام افتاد .

### واژگان

تلفظ : بر زبان آوردن ، سخن گفتن

اعتبار : آبرو

شوکت : شکوه و بزرگی

پیکر : تن

نغمه : آواز

فراز و فرود : بلندی و پستی

### واژگان

درس صفحه ی ۲۶

ملال : غم ، آزار

صواب : درست ، شایسته

لاف : گفتار بیهوده گفتن ، گزافه گویی

دُرّ : مروارید

دِماغ پرور : آن چه به مغز آرامش دهد

(۱) با این که حرف زدن خیلی خوب است ، اما ، کم حرف زدن بسیار بهتر ( شایسته ) است .

(۲) اگر چه آب بسیار پاک و زلال باشد ، اما اگر زیاد بنوشی اذیت می شوی .

(۳) در سخن گفتن زیاده روی نکن. کم حرف بزن اما حرف های خوب و درست بزن، تاحرف خوب و درست تو را همه به خاطر بسپارند و برای دیگران باز گو کنند .

(۴) درست نیست که حتی سخن خوب و درست را با زیاده گویی همراه کنی ، زیرا آن چه که می توانی هر اندازه بخواهی استفاده کنی و اهمیتی ندارد خشت و گل است . ( یعنی ارزش سخن خوب را با زیاده گویی از بین نبر )

(۵) اگر یک دسته از گل هایی داشته باشی که با بو کردن آن احساس خوبی به تو دست دهد خیلی بهتر از آن است که یک خرمن گیاه بی فایده داشته باشی . ( شاعر نظامی )

پَرخوآش : درشتی

آهریمن : دشمن

فَرجام : پایان

تیمار : دلسوزی

نخجیر : شکار

سهم گین : ترسناک

کمند : طناب

۱) رخش می خروشد و سم بر زمین می کوبد تا خاک را زیر و رو و چاک چاک می کند

۲) رستم با شمشیر سر اژدها را از تنش جدا می کند و رودی از خون به راه می اندازد

۳) رستم طنابش را طوری پرتاب می کند که سر جادوگر را به بند می کشد

۴) با خنجر او را به دو نیم کرد و با این کار (از قدرتش) بیمی برای همیشه در دل ستمگران بوجود

آورد

۵) وقتی رستم ارژنگ دیو را می بیند ، مانند آتشی پر قدرت به سوی او می تازد

۶) رستم سر و گوش و موهای دیو را شجاعانه گرفت و سرش را مانند یک شیر پر قدرت از تن جدا

کرد

۷) رستم بعد از پیروزی در این هفت مرحله ، خودش را می شوید و جایی تمیز برای عبادت پیدا

می کند

۸) سرش را برای سجده بر زمین می گذارد و این چنین با یزدان سخن می گوید : ای داور عادل

۹) تو پناه بندگان در مقابل همه ی بدی ها هستی و هر چه من از سربلندی و قدرت و مقام دارم از

لطف تو است

از لقمان پرسیدند: ادب را از چه کسی یادگرفتی؟

جواب داد: ادب را از بی ادبان آموختم، هر کار و یا هر سخنی که از آن ها در نگاه من نا درست می آمد، از عمل کردن به آن دوری کردم.

درس صفحه ی ۴۳ اخلاق پسندیده

### واژگان

طعام : خوراک

رستگار : خوشنود

ایثار : فداکاری

اعتدال : میانه روی ، اندازه نگه داشتن

توقف : ایست

تعلل : کوتاهی

خوان : سفره

حاجت : نیاز

فراخ : گشاده

فارغ : بیکار

فواید : فایده ها

فاضل : دانا

### رفتار درست در هنگام خوراک خوردن

ابتدا دست و دهانش را تمیز می شوید و بعد از آن کنار سفره ( میز ) می نشیند ، وقتی سر سفره نشست دهانش را خیلی باز نمی کند و لقمه های بزرگ بر نمی دارد . بلکه اندازه را نگه می دارد و مدام به خوراک نگاه نمی کند ، خوراک را بو نمی کند و برای خودش جدا نمی کند ، اگر خوراک کم

بود ، آن را به دیگران که با او سر سفره نشسته اند می دهد و به خوراک درون بشقاب دیگران نگاه نمی کند و قبل از بقیه خوراک خوردنش را تمام نمی کند و حتی اگر سیر شده باشد کمی آهسته تر باقی خوراکش را می خورد تا بقیه هم خوراک خوردنشان به پایان برسد، اگر در حال خوراک خوردن تشنه اش شد با عجله آب نمی خورد و از دهانش هنگام خوراک و آب خوردن صدا بیرون نمی دهد ، اگر بعد از خوراک نیاز به خلال کردن داشت این کار را در حضور دیگران انجام نمی دهد.

### رفتارهای درست در هنگام سخن گفتن

انسان نباید زیاد حرف بزند یا حرف دیگران را قطع کند و نباید چیزی را که از دیگری پرسیده اند او جواب دهد . اگر کسی در حال جواب دادن بود و او جواب بهتری را می دانست ، باید صبر کند تا حرف فرد اول تمام شود سپس جواب خود را بگوید . وقتی با او حرف می زنند ، تا پرسش تمام نشده شروع به جواب دادن نکند . باید از پشت سر دیگران حرف زدن و دروغ گفتن ، خودداری کند . باید بیشتر بشنود و کم تر حرف بزند . از دانایی پرسیدند که تو چرا بیشتر گوش می کنی و کم تر حرف می زنی ؟

جواب داد: چون به من دو گوش و یک زبان داده اند ، یعنی باید بیشتر گوش کرد و کم تر حرف زد . در ابتدای آفرینش به ما انسان ها دو گوش و یک زبان دادند ، یعنی باید دو برابر آنچه که می گوئیم به حرف دیگران گوش کنیم .

( نوشته ی بالا از خواجه نصیرالدین توسی بوده است . )

### زیان های زبان

آگاه باش که زیان های زبان ( حرف زدن ) بسیار است ، به همین دلیل است که می گویند

خوبی های سکوت کردن بسیار زیاد می باشد ، و می گویند کسی که بیشتر سکوت کند نتیجه ی بهتری خواهد گرفت . از پیامبر اسلام پرسیدند کدام کار بهتر است ؟ حضرت زبانشان را بیرون آوردند و انگشتشان را بر آن نهادند ، یعنی سکوت ، و گفتند : بیشتر اشتباهات انسان در هنگام حرف زدن او بوجود می آید . و در ادامه فرمودند ، هر انسانی که به خداوند و آخرت اعتقاد دارد یا باید حرف های مفید و درست بزند و یا سکوت کند .

( نوشته ی بالا از مَلّا ادهم عزلتی خلخالی است. )

شعر صفحه ی ۴۶

### واژگان

مَحْرَم : رازدار

أَلْفَت : دوستی ، علاقه

مُنَاجَات : دعا

سِرُّ اللهِ : اسرار خداوند

آویزه ی گوش : خوبست که به خاطر

جوشش چشمه ی عشق ازلی : نشانه ی عشق بی

بسپاری

بی نهایت به پروردگار

آفاق : افق (ها)

فجر : روشنایی

بیت ۷ : اشاره به شبی که حضرت علی (ع) در تخت حضرت رسول (ص) خوابیدند تا جان ایشان به خطر نیفتد .

بیت ۸ : اشاره به صبحی دارد که ابن ملجم ، که لعنت خدا بر او باد ، به حضرت ضربت زد، در آن روز دستگیره ی در به لباس حضرت گیر کرد تا شاید ایشان از بیرون رفتن منصرف شوند .

## واژگان

مقرر داشته : فرمان داده

پر اُبّهت : پر جَذبه

کریمانه : با بخشندگی زیاد

بانگ مزن : صدایت را بلند نکن

شأن : مقام

تواضع : فروتنی

۱) اگر روزهای کودکیت را به خاطر می آوردی که در آغوش من ناتوان بودی ،

۲) امروز که تو بزرگ شده ای و مانند شیری قوی هستی ، بر من که پیر شده ام ، بدی نمی کردی .

---

## دوستی

## درس صفحه ی ۵۱

فرزندم آگاه باش که انسان ها تا زمانی که زنده هستند ناچارند که با هم نوعانشان زندگی و دوستی

کنند. این مورد این قدر مهم است که ممکن است انسانی خانواده نداشته باشد اما این که در طول

زندگیش دوستی نداشته باشد ممکن نیست. در این رابطه از بزرگی پرسیدند : دوست مهم تر است یا

خانواده ؟

جواب داد : خانواده بسیار مهم است ، دوست هم به همان اندازه مهم می باشد .

پس در مورد رفتارت با دوستانت خوب فکر کن و روابطت را با آن ها با رفتار نیکو محکم کن . وقتی

دوستی تازه پیدا کردی ، دوستان قدیمیت را فراموش نکن . دوستان جدید پیدا کن و دوستان



قدیمیت را هم حفظ کن تا همیشه دوستان زیادی داشته باشی. با همه ی کسانی که با تو دوست صمیمی هستند و یا آشنایی با تو دارند با رفتار شایسته برخورد کن و در غم و شادی ایشان همراه و دلسوز باش. وقتی آن ها از تو همراهی و دلسوزی ببینند با تو هم دل و مهربان می شوند.

( نوشته ی بالا از کتاب قابوس نامه ، نوشته ی عنصر المعالی کیکاووس می باشد .)

### مشورت

مشورت کردن در کارها نشانه ی دانایی ، باهوش بودن و آینده نگری می باشد. زیرا هر انسانی به اندازه خودش دانشی و تجربه ای دارد ، کسانی هستند که دانشی دارند که هرگز آن را به کار نبرده اند و در عوض افرادی هم هستند که آن دانش را به کار برده و تجربه دارند. مثل اینکه، فردی را که سفر بسیار کرده و دانش و تجربه ی بسیار دارد با کسی که سفری نرفته نمی توان برابر کرد. به همین دلیل گفته اند : باید با انسان های دانا ، مسن و باتجربه مشورت کرد .

همچنین در میان مردم ، بعضی داناترند و زودتر متوجه ی امور می شوند. مشورت با ده نفر مانند آن است که زور ده تن را داشته باشی . همه ی مردم جهان معتقدند که در تمام دنیا از پیامبر (ص) کسی داناتر نبوده است. اما با این همه دانایی و معجزه هایی که داشته ، خداوند به او می فرماید: ای محمد در کارها با یارانت مشورت کن .

مشورت نکردن در کارها از نادانی است و هیچ کاری بدون مشورت به خوبی انجام نمی شود .

( نوشته ی بالا از سیاست نامه ، نوشته ی خواجه نظام الملک توسی می باشد .)

---

درس صفحه ی ۵۴ ( ورزش را فراموش نکن ) واژگان

والا : با ارزش / ورزشدگی : ورزشکاری / فروزندگی : روشن شدن / نیاکانت : گذشتگان

## درس صفحه ی ۵۹ ( عمر با ارزش )

دو برادر بودند که یکی در خدمت فرمان روا کار می کرد و دیگری با کار کردن و زحمت کشیدن روزگار خود را می گذراند .

روزی برادر ثروتمند به برادر فقیر خود گفت : چرا تو هم برای فرمان روا کار نمی کنی تا از سختی کار کردن راحت شوی ؟

برادر فقیر پاسخ داد : تو چرا کار نمی کنی تا از خواری خدمت کردن ، راحت شوی . زیرا دانایان گفته اند : اگر با زحمت و سختی برای خودت نانی فراهم کنی و بخوری و زندگی کنی بسیار بهتر است تا این که به ظاهر در رفاه باشی و به خدمت دیگران پردازی .

۱) اگر با دستانت آهن داغ ( سوزان ) را نرم کنی و شکل بدهی ، بهتر است تا دست به سینه پیش فرمان روا بایستی

۲) همه ی عمر با ارزشم صرف این شد که در تابستان ( فصل گرما ) چه بخورم ، یا در زمستان ( فصل سرما) چه بپوشم

۳) ای انسان طمع کار ( ای شکم بی ارزش ) با نانی بساز ، تا مجبور نشوی پیش دیگران سر خم کنی و خودت را کوچک کنی

( نوشته ی بالا از کتاب گلستان سعدی نوشته ی مصلح الدین سعدی شیرازی می باشد . )

---

## درس صفحه ی ۶۵-۶۳ رنج ها کشیده ام که می پرس

۱) درد عشقی و تلخی دوری از عزیزی را تجربه کرده ام که اصلاً از آن سوالی نپرس.

۲) در تمام دنیا گشته ام و دلبری را سرانجام انتخاب کرده ام ، که از آن سوالی نپرس.

۳) بدون حضور تو ، در کلبه ی تنهایییم ، رنج هایی کشیده ام، که از آن سوالی نپرس .

۴) مانند حافظ که در راه رسیدن به عشقش درد غریبی را تجربه کرده بود، من هم به مقامی رسیده ام که از آن سوالی نپرس.

---

درس صفحه ی ۶۷ ( باران )

۱) خوش به حال آن کسانی که خداوند یارشان است و روزشان را با تسبیح گفتن در مورد خداوند پیش می برند

۲) خوش به حال آن کسانی که همواره در حال یاد خدا هستند ، و پاداششان بهشت ابدی است .

۳) خداوند با فریادم برس و کمکم کن ، چون من تنها مانده ام و تو یار همه ی آن هایی هستی که تنها مانده اند .

۴) همه ی مردم می گویند که من ( بابا طاهر عریان = شاعر ) هیچ کس را ندارم ، اما خداوند یار من است ، پس هیچ نیازی به کس دیگری ندارم .

(شاعر بابا طاهر عریان)

---

۵) اشاره به خداوند ، ای آن که نام تو همواره بر لب من است ، و ای آن که روز و شبم همه پر از لطف تو ست.

۶) دعایی کرده ام ، و منتظر آن هستم که آن را برآورده کنی .

( شاعر : سید حسن حسینی )

۷) اشاره به آقا امام زمان ، اگر آن آقای سبز پوش بیاید ، در بهشت خداوند به روی ما باز می شود .

۸) تنم را مانند فرشی بر سر راه او گذاشته ام و دلم را به او سپرده ام ، تا بیاید.

( شاعر : مصطفی علی پور )

---

درخت علم

درس صفحه ی ۷۲

۱) شیخ خندید و گفت : ای ساده دل ، این که می گویی ( اگر دانا باشی متوجه می شوی که ) درخت دانش است .

۲) چون تو فقط به ظاهر موضوع توجه کرده ای ، از اصل و مفهوم موضوع دور مانده ای .

۳) آن چه که تو دنبالش می گردی را در زمان های مختلف با نام های ، درخت ، آفتاب ، دریا و ابر نامیده اند .

۴) آثار دانش در زندگی انسان ها آنقدر زیاد است که حدی ندارد و یکی از آن آثار عمر جاودان ( همیشه زنده ماندن یاد دانشمندان ) است .

( نوشته ی بالا از کتاب مثنوی معنوی نوشته ی جلال الدین محمد است . )

---

دو گروه از مردم بیهوده سختی کشیدند و بی فایده تلاش کردند: گروه اوّل آن افرادی که مال جمع کردند ولی از آن استفاده ای در طول زندگیشان نکردند، و گروه دوم آن افرادی که دانش آموختند ولی در زندگیشان آن را به کار نبردند.

۱) هر اندازه که دانش بیشتری داشته باشی تا آن را به کار نبری انگار که آن دانش را نداری و نادان هستی.

۲) چهار پایی را که پشتش باری از کتاب گذاشته باشند با این کار نه محقق و نه دانشمند می شود

۳) زیرا آن چهار پا که در مقایسه با انسان مغزی ندارد چه فرقی به حالش می کند که بارش هیزم باشد یا کتاب.

(نوشته ی بالا از کتاب گلستان نوشته ی سعدی می باشد.)

درس صفحه ی ۸۶ ( وطن ) واژگان

آنَجَب : شریف ترین / طفولیت : دوران کودکی / حُب : عشق ، دوست داشتن

درس : حماسه ی هرمز ( صفحه ی ۸۷-۸۹ )

اگر ایران نباشد ، امید وارم من هم زنده نباشم، و امیدوارم یک تن هم در ایران زنده نماند .

۱) آیا این داستان را شنیده اید که روزی در باغی درخت سپیداری از ستم های یک تبر می نالید

۲) که به خاطر تیشه ی هیزم شکن و ارّه ی نجّار دیگر از ریشه و شاخه های من چیزی نمانده است

۳) تبر در جواب درخت سپیدار گفت : جرم تو همین اندازه بس، که الآن فصل میوه دادن درخت ها است و تو هیچ حاصلی نداری

۴) تا هنگام شب صدای تبر به گوش می رسید ، و در باغ توده ی بزرگی از چوب درخت سپیدار جمع شده بود

۵) زمانی که دهقان تنور خانه اش را از چوب درخت سپیدار پر کرد و آتش درست کرد ، سپیدار به گریه افتاد و گفت :

۶) ای وای که تبدیل به هیزم شدم که آتش درست کنم ، همه ی وجودم از آتش نگون بختی سوخت

۷) شعله ی آتش به او خندید و گفت : از چه کسی گله داری ، که دلیل بدبختی تو بی فایده ( بی ثمر) بودن تو است .

۸) آن درختی که رشد کند ولی میوه و ثمری نداشته باشد ، سرانجامش به جز سوختن و آتش درست کردن نیست .

۹) ای انسان ها آگاه باشید که برای انسان ها هم این ثمر چیزی جز به دست آوردن دانش نیست ،

۱۰) از حرف هایی(دانشی) که به آن عمل نکنیم و یا از کارهای بیهوده چه بدست خواهد آمد؟، باید کارها و رفتارمان را درست کنیم که از سخن گفتن تنها هیچ چیز به دست نمی آید .

۱۱) اگر چه ممکن است در این دنیا بدون عملکرد درست روز و شبت را بگذرانی ، اما در آخرت بدان که کارت بسیار سخت خواهد بود .(اشاره به این که خدا ما را بیهوده نیافریده است .)

درس صفحه ی ۹۳ ( افلاطون و مرد جاهل )

## واژگان

میانه ی سخن : در وسط حرف زدنش

جاهل : نادان

دلتنگ : ناراحت

سر فرو برد : سرش را پایین انداخت

تنگدل گشتی : ناراحت شدی

---

## کتاب خوانی

درس صفحه ی ۹۴-۹۵

آگاه باش که کتاب خواندن فایده های بسیار دارد :

اول این که از سرگذشت گذشتگان با خبر می شوی .

دوم این که وقتی چیزهای عجیب را بشنوی به قدرت خداوند پی میبری .

سوم این که وقتی در مورد سختی ها و غم های گذشتگان بشنوی ، متوجه می شوی که هیچ کسی

بدون غم در دنیا نیست ، و این دانستن خودش سبب آرامشت می شود .

چهارم این که وقتی بشنوی که ثروت و دارایی های فرمان روایان گذشته برایشان نماند ، متوجه

می شوی که مال و قدرت در دنیا برای کسی نمانده که برای تو بماند.

پنجم این که درس بسیاری از زندگی های گذشتگان می گیری و تجربه های آنان را به دست

می آوری .

خداوند به پیامبر اسلام (ص) می فرماید : ای محمد ما از قصه ها و خبرهای پیامبران برای تو

می گوئیم . تا بوسیله ی آن قلب تو را محکم و ثابت کنیم و فایده های کلی برای تو بوجود آید .

پس مشخص می شود که در داستان های گذشتگان ، برای خواننده ، گوینده و شنونده فایده های زیادی وجود دارد . اگر از تو پرسیدند که چند جور داستان خوانی داریم ، جواب بده : دو جور ، اول حکایت خواندن است و دوم نظم خواندن . اگر پرسیدند که آداب حکایت خواندن چه چیزهایی است ؟

جواب بده : اول این که داستانی را می خواهد برای دیگران بخواند ابتدا باید برای استادش خوانده باشد و چند بار با خودش تکرار کرده باشد تا بتواند روان بخواند . دوم این که در سخن گفتن مهارت داشته باشد .

سوم این که باید برای هر گروهی از مردم از نوع سخن گفتن مناسب استفاده کند . بیشتر از مطالبی صحبت کند که مردم مایل به شنیدن آن هستند . چهارم این که داستان را در زمان مناسب با شعری همراه کند ، همان طور که بزرگان گفته اند شعر در هنگام داستان گفتن مانند نمک است در خوراک ، اگر کم باشد خوراک بی مزه می شود و اگر زیاد شود خوراک شور می شود . پس در این رابطه باید اندازه را نگه دارد .

پنجم این که سخنان غیر ممکن و دور از ذهن نگوید تا سبب کوچک شدنش در چشم مردم نشود .

اگر پرسیدند که آداب نظم ( شعر خوانی ) چیست ؟

جواب بده : اول آن که شعر را با آهنگ درست بخواند .

دوم آن که طوری شعر بخواند که در شنونده اثر کند .

سوم آن که اگر در فهمیدن مفهوم بیتی از شعر برای شنونده مشکلی پیش آمد آن را توضیح دهد .

چهارم آن که شنونده را خسته نکند .

پنجم آن که نام شاعر را با توضیحی در مورد او در ابتدا یا انتهای شعر بیاورد و برایش دعا کنند .

(نوشته ی بالا از کتاب فتوّت نامه ی سلطانی نوشته ی کمال الدّین حسین واعظ کاشفی می باشد .)



در دنیا بهتر از درست کاری هیچ چیزی وجود ندارد

(۱) در دنیا بهتر از درستی و بدتر از نادرستی، هیچ چیزی وجود ندارد

(۲) سخن گفتن نادرست از درمانده بودن انسان است و باید برای چنین انسانی گریه کرد  
(برایش ناراحت بود)

(۳) هر کسی که دنبال دروغ باشد، ما او را ستمکاری می دانیم که اثر خوبی از خودش نمی گذارد.

(۴) نام نیک داشتن در اثر راست گویی خوب است، / چه کسی از کار اشتباه کردن سود برده است

(۵) فقط راه درست در زندگی پیش بگیر، زیرا در این راه ضرر نخواهی کرد

(۶) خداوند راه درست را به ما نشان داده است، پس چرا ما باید به راه نادرست برویم

(۷) هر کسی که به تو راست نگوید، آگاه باش که او دشمن تو است.

(۸) با انسان دروغ گو و افرادی که در فکر های پلید هستند دوستی نکن.

( شعر از شاهنامه ی فردوسی )

ستاره ی روشن

درس صفحه ی ۹۸-۹۹

این طور خواندم وقتی که بزرگمهر دانشمند داشت به برادرانش وصیت (سفارش) می کرد، گفت:  
در کتاب خوانده ام که در آینده پیامبری به نام محمد مصطفی (ص) خواهد آمد، اگر زنده باشم اولین

کسی خواهام بود که به او ایمان می آورد. شما هم به فرزندانان همین سفارش را بکنید تا به بهشت بروند .

دانشمندان و بزرگان پیش او می آمدند و می گفتند : تو از دانش خودت به ما آموختی و هیچ چیز کم نگذاشتی ، تا این که ما دانا شدیم .مانند ستاره ای روشن در میان ما بودی و راه درست را به ما نشان دادی .از داناییت به ما یادگاری بده .

او گفت : به شما وصیت می کنم که خداوند را به یگانگی بشناسید و به دستورات او عمل کنید و آگاه باشید که هر چه از خوبی یا بدی انجام دهید ، خداوند آن را می بیند و از هر چه در دل شماست آگاه است و زندگی شما به فرمان او ادامه دارد .

حرف های خوب بزنید و درست رفتار کنید ، زیرا خدا شما را برای خوبی کردن آفریده است و حواستان باشد که کار نادرست انجام ندهید و از انسان های بد دور باشید ، زیرا عمر انسان های بد کوتاه است ، درست کار باشید . چشم ، گوش و دستتان را از کار نادرست و دارایی مردم دور نگه دارید.

راستگویی را هدف خود قرار دهید که سبب سر بلندی شما می شود و مردم هم انسان های راستگو را دوست دارند و انسان راستگو نابود نمی شود .از دروغ گفتن دوری کنید ، زیرا انسان های دروغ گو حتی اگر راست هم بگویند دیگر کسی باور نمی کند .

ایراد مردم را بر زبان نیاورید ، چون هیچ کس بدون عیب نیست . آن انسانی که ایراد خودش را نمی بیند از همه نادان تر است .اخلاق خوب بهترین نعمت خداوند است .از اخلاق بد دور باشید که مانند طنابی است که دل و پایتان را با آن بسته باشند .انسان بد اخلاق همیشه در عذاب است و مردم هم از دست او ناراحت هستند .انسان خوش اخلاق را در هر دو دنیا ستایش می کنند . احترام افرادی که از شما بزرگ ترند را نگه دارد .

( نوشته ی بالا از کتاب تاریخ بیهقی نوشته ی ابوالفضل بیهقی می باشد .)

## واژگان

کوفتن کوبه ی در : در زدن

لطف طبع : خوش اخلاقی

قید و بند : قانون داشتن در زندگی

مدّعی : ادعا کننده

۱) آفریده های خداوند در نگاه انسان های دانا مانند ورق هایی از کتابی هستند که در مورد دانش خداوند باشد .

---

## درس صفحه ی ۱۰۵

### نیایش

۱) خداوندا فرمان روایی دنیا مال تو است ، ما بندگان تنها به تو خدمت می کنیم

۲) در غم و شادی پناه ما تو هستی ، هیچ کسی جز تو توانا نیست

۳) همه چیز را تو آفریده ای

۴) تو به خرد ما توانایی داده ای ، و نور هدایت را تو به ما نشان داده ای

۵) دنیایی به این خوبی را بدون یاری کسی آفریده ای

۶) تو پروردگار ما هستی و ما همه بندگان تو هستیم ، و به خواست تو زنده ایم

۷) راهی را در پیش رویم قرار بده که در پایان زندگیم ، تو راضی باشی و من هم به رستگاری رسیده

باشم

( شاعر : نظامی )